

متن پرسش

با سلام خدمت آقای طاهرزاده: الان اگر انتقادی از وضعیت موجود بکنی . چنان بلایی به سرت می آورند که زنده بودن یادت بره! هفت جد و ابادت را ور باد می دهند. خب این اسلام است؟ پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) فرمودند مرا نصیحت کنید. به حضرت علی (ع) انتقاد می کردند. آیا این بلاها سرش می آوردند و آقا امام حسین(ع) شب عاشورا با یکی از مصادیق لعن یعنی عمرسعد مذاکره کردند. اما حالا مملکت شیعه اینقدر تهمت و غیبت به همدیگر. حاضر نیستیم با همدیگر بشینیم و با هم صحبت کنیم . اونوقت دم از وحدت شیعه و سنی میزنیم !!وا عجب!! تازه داعیه ی الگویی هم داریم. استاد اینا سوال من نیست اینا سوال هزاران جوانی است که شاید گذرشان به شمانگیرد. نامه ای که هاشمی به مقام معظم رهبری نوشت و پیشنهاد دادند دیدیم چه بلایی سرش آوردند. تازه پیشنهاد اگر انتقاد بود که واویلا. شما هم همش توجیه می کنید استادم. آخه چرا؟؟؟

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: بنده فکر نمی کنم بلائی بر سر آقای هاشمی آوردند، جز این که معلوم شد ایشان از بصیرت کافی در رابطه با فتنه‌ای که برای براندازی نظام برنامه ریزی کرده بودند ، برخوردار نبود و همین عدم بصیرت موجب شد که فرزندان ایشان نیز به فتنه کمک کنند. ولی در مورد عدم تحمل همدیگر که متأسفانه همین‌طور است که می‌گویید و راه‌کار نجات از آن همان آزاداندیشی است که رهبری بر آن تأکید دارند. باید تلاش کنیم سطح فکری جامعه بالا رود تا بتوانیم اندیشه‌های همدیگر را بفهمیم و به همدیگر تهمت نزنیم و بنده تنها امیدم برای نجات جامعه از این معضل را انقلاب اسلامی و تقویت آن می‌دانم. موفق باشید